

## بررسی حس مکان در سینماهای ایرانی: مقایسه حس مکان در پردیس سینمایی ملت و سینما آزادی در شهر تهران

عباس رحمتی<sup>۱</sup>، منوچهر فروتن<sup>۲</sup>، سجاد مؤذن<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار گروه مرمت، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران.

### چکیده

سینما سازنده و رشد دهنده فرهنگ عمومی شهر است؛ اما متأسفانه در سینمای کشور با فضای های با کیفیت خیلی مواجه نیستیم و معمولاً در سینمای ایران مکان مطرح نمی شود. اهمیت مکان سازی در سینماهای کشور از آن جهت دارای اهمیت و ضرورت می باشد که طبق نظریات روانشناسی محیط، می توان بیان کرد که کیفیات فضایی پیرامونی افراد موجب تفاوت در درک از عینیت های پیرامونی آن خواهد شد و این پدیده در هنگام تماشای فیلم که حس دیدن و شنیدن همزمان درگیر هستند ضروری جلوه می کند. در همین راستا، این پژوهش با مقایسه حس مکان در دو نمونه پردیس سینمایی ملت و سینما آزادی در بین شهروندان، قصد دارد سازوکار درک و ایجاد حس مکان در سینما توسط افراد را مورد بررسی قرار بدهد. با توجه به تفاوت در ساختار طراحی و همچنین موقعیت قرارگیری پردیس ملت و سینما آزادی در فضاهای شهری، به نظر می رسد این دو نمونه به نوعی نماینده دو گونه متفاوت از سینماهای کشور در فرایند مکان سازی برای تماشاچیان در سینماها باشند. نوع این تحقیق کاربردی است که رویکر کلی آن کمی و از حیث روش در دسته پیمایشی قرار می گیرد. به همین منظور با استفاده از پیمایش پرسشنامه ای بین ۱۰۵ شهروندان تهرانی به وسیله نرم افزار SPSS19 این مهم بین دو نمونه ذکر شده انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل اثرگذار بر ایجاد حس مکان در سینما از منظر تماشاگران تا حد زیادی وابسته به سازه های شکل گیری حس مکان هستند که آنها نیز از دو عامل موقعیت قرارگیری سیما در بافت شهر و فرم کالبدی سینما تاثیر می پذیرند.

**واژه های کلیدی:** سینما، حس مکان، معنا، ساختار فیزیکی، فعالیت.

## ۱- مقدمه

نوربرگ-شولتز<sup>۱</sup> (۱۳۸۸، ۴۰) کنش اصلی معماری را درک رسالت مکان می‌داند. حس مکان<sup>۲</sup> که از عوامل تعلق به یک مکان و به ادراک کنشگران از محیط، اشاره دارد، از جمله مفاهیم مهم و کلیدی در جغرافیای فرهنگی، معماری و شهرسازی محسوب می‌شود (رضویان و دیگران، ۱۳۹۳). تعلق به یک مکان داشتن یعنی در حالت عینی روزانه «پایگاهی وجودی داشتن» است (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۸، ۴۰). حس مکان یا روح مکان<sup>۳</sup> ارتباط انسان و مکان است، چه محیط طبیعی و چه غیر طبیعی ساخته انسان است که به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه در فرد بوجود می‌آید. این حس باعث دادن شخصیت یا هویت به مکان می‌شود زیرا مکان به خودی خود فاقد این هویت است. دو رویکرد در بررسی حس مکان وجود دارد، رویکرد روانشناسی محیط و رویکرد پدیدارشناسانه. پدیدارشناسی در مقابل دو رویکرد غالب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد و آنها را برای تبیین فضا و معماری ناکافی می‌داند (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۸، ص. ۷). در رویکرد پدیدارشناسی سعی می‌شود تجربه افراد مورد توجه قرار گیرد.

یکی از روشهای نزدیک شدن به تجربه زندگی بررسی فیلم و سینما است. معماری و سینما هر دو به ایجاد فضا و روح زندگی می‌پردازند و در فرآیند ادراک فضا، هر دو هنر به اصول مشترکی پایبندند. معماری به عنوان عام‌ترین شکل هنر با سینما ارتباط برقرار می‌کند، به علاوه وجوه مشترک معماری و سینما در استفاده از ابزارهای دیداری و شنیداری برای عینیت بخشیدن به تصورها و تجربه‌های ما از فضای شهری و معماری نیز نمایان است (پناهی، ۱۳۸۳، ص. ۵۰).

از طرفی، این گونه فرض می‌شود که برقراری ارتباط معنایی با هر فیلم در سینما تا حد زیادی وابسته به محیط کالبدی سینما و فضایی است که بیننده در آن قرار می‌گیرد. در همین راستا این پژوهش در نظر دارد تا با مقایسه حس مکان بین پردیس سینمایی ملت و سینما آزادی، میزان اثرگذاری محیط کالبدی و فضاهای موجود در سینما را بر ایجاد حس مکان برای افراد مورد واکاوی و سنجش قرار دهد. در واقع این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که تا چه میزان نوع عناصر کالبدی موجود در سینما بر ایجاد حس مکان در تماشاگران اثرگذار است؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از معرفی سازه‌های تشکیل دهنده حس مکان، با استفاده از استخراج ادراکات افراد در مورد هر سازه، مقایسه تطبیقی بین دو نمونه مورد مطالعه با در نظر گرفتن ویژگی‌های فضایی آنها انجام خواهد شد.

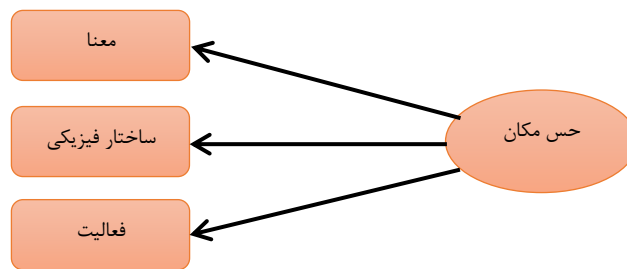
## ۲- مروری بر مفهوم حس مکان

حس مکان واژه بحث‌انگیزی است که در ادبیات معماری و طراحی شهری زیاد به کار می‌رود و با مفاهیمی چون معنای مکان و هویت مکان مترادف تلقی شده است. طبق تعریف: اصطلاح حس مکان، ترجمه مدرن عبارت لاتین روح محافظ مکان است. از نظر تاریخی این اصطلاح به یک مکان فیزیکی اشاره ندارد. چنان که گفته شده حس مکان ترکیبی است پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌هایی که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند (شمائی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱). می‌توان بیان کرد که روح مکان یا منحصر بفرد بودن منظر یا فضا با حضور یا حفاظت یک موجود ماوراء طبیعی تعریف می‌شود. در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۷۵).

<sup>1</sup>Norberge-Shultz<sup>2</sup>sense of place<sup>3</sup>genius loci<sup>4</sup>Shamai

«مکان و نامکان»<sup>۱</sup> ادوارد<sup>۲</sup> رلف از اولین پژوهش‌هایی است که بر اساس نظریه‌های پدیدارشناسی شکل گرفت و بر روی مطالب روان‌شناسانه و تجربه‌گرایی حس مکان تمرکز دارد (کارمونا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). او در این مقاله خود به بررسی ویژگی‌های حس مکان که برگرفته شده از روح مکان است و موجب معنا و هویت مکان می‌گردد، می‌پردازد. حس مکان غالباً در مورد اصطلاح لاتینی روح مکان بحث می‌کند، این اصطلاح بیان می‌دارد که مردم چیزی فراتر از خصوصیات فیزیکی مکان‌ها را تجربه می‌کنند و می‌توانند پیوستگی خود با روح مکان را احساس کنند (کاتبرت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۹۵). روح مکان علی‌رغم تغییرات اساسی همچنان اصرار بر بودن دارد. کما اینکه بسیاری از شهرها و کشورها هویت خود را در برابر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و فناوری حفظ کرده‌اند. برای رلف باقی ماندن روح مکان از خلال تغییرات، مفهومی دقیق و ظریف و در عین حال نامعلوم است که اصلاً به سادگی قابل تجزیه کردن به اصطلاحات فرمال و معناگرا نیست ولی در عین حال کاملاً واضح و قابل فهم است (کارمونا، ۲۰۰۸: ۹۶).

رلف می‌گوید هرچند بی‌شکل و نامحسوس، هر زمان که ما فضا را درک و احساس کنیم، نوعاً مفهوم مکان نیز شکل می‌یابد. برای رلف مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویدادی شکل گرفته‌اند. با آغوشن آنها با معنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند. در واقع رلف مکان را با حضور انسان و روی دادن رخدادی تعریف می‌کند اما حس مکان را چیزی فراتر از آن و در پیوستگی با زمان گذشته می‌داند (کارمونا، ۲۰۰۸: ۹۷). برای رلف، حس مکان، داشتن نقطه‌ای امن در برابر تهدیدهای دنیا، یک درک و فهم عمیق از موقعیت و جایگاه خودمان در برابر دیگر چیزها و داشتن یک پیوستگی پر معنای روحی و روانی به جایی خاص، معنا می‌شود (کارمونا، ۲۰۰۸: ۹۸). رلف برای هر مکان شاخصه و خصوصه منحصری قائل است و آن را به سبب ۳ نشانه هویت مکانی می‌داند که معرف حس مکان نیز هستند گرچه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه است اما این سه را در ایجاد این حس در مردم تأثیرگذار می‌داند: ۱- ساختار فیزیکی، ۲- فعالیت، ۳- معنا (کانتر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷). شکل (۱) این ۳ سازه اثرگذار بر شکل‌گیری حس مکان را از نگاه رلف نشان می‌دهد.



شکل ۱: عناصر اصلی اثرگذار بر شکل‌گیری حس مکان در افراد (کانتر، ۱۹۷۷).

### روش انجام پژوهش - شناخت نمونه‌های مورد مطالعه

#### • پردیس سینما ملت تهران

پروژه پردیس سینمایی پارک ملت در منطقه ۳ شهرداری تهران و در زمینی کشیده و بدون شکل مشخص به مساحت ۶ هزار مترمربع در منتهی البیه جنوب غربی پارک ملت طرح و اجرا شده است. این مجموعه با توجه به استقرار در محوطه پارک، از همه مزایای آن به عنوان محوطه بهره‌مند است. پارک ملت با توجه به مولفه‌های برنامه ریزی شهری به عنوان پارکی با عملکرد شهری و با حوزه نفوذ بسیار وسیع شناخته می‌شود. ضمن آنکه از نظر کارکردهای آموزشی و پژوهشی تخصصی، می‌تواند عملکردهای خاص نیز در حد نفوذ شهری داشته باشد؛ بنابراین مجموعه نیازهای منطقه‌ای را که با توجه به وسعت و

<sup>1</sup> Place & Non-Place

<sup>2</sup> Edward Relph

<sup>3</sup> Carmona

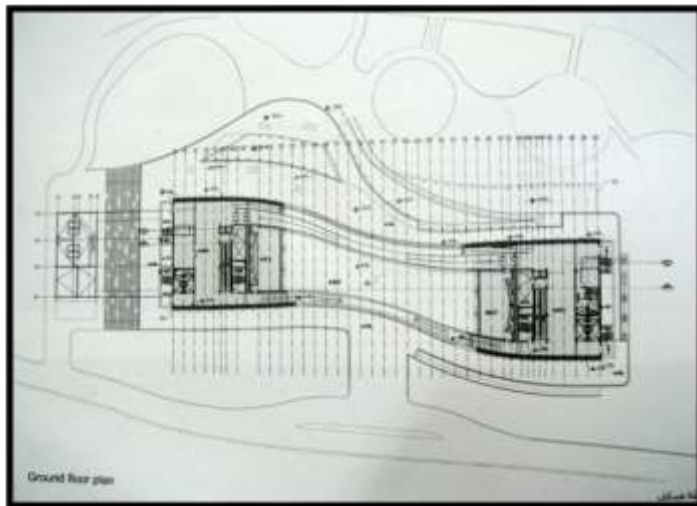
<sup>4</sup> Cuthbert

<sup>5</sup> Canter

جمعیت آن کمبود شدید فضاهای فرهنگی و سینمایی در آن احساس می شود برطرف می کند و در عین حال بر کل شهر تاثیر می گذارد. این مجموعه از شمال و شرق به محوطه پارک و از جنوب به بزرگراه نیایش و از غرب به محوطه مجموعه ورزشی انقلاب محدود می شود (URL1)



شکل ۲: تصاویری از پردیس سینمایی ملت (URL1)



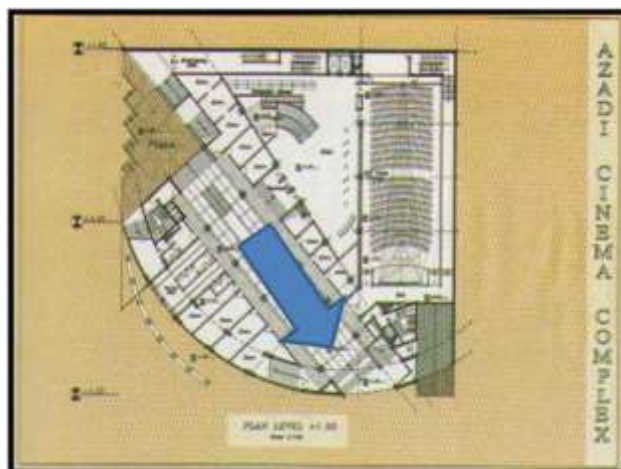
شکل ۳: پلان مجموعه پردیس سینمایی ملت در ارتباط بین سایت و فضاهای داخلی (URL1)

#### • سینما آزادی

سینما آزادی (که پیش از انقلاب به نام سینما شهر فرنگ شناخته می شد) یکی از سینماهای تهران است که در تقاطع خیابان شهید بهشتی (عباس آباد) و خیابان خالد اسلامبولی (وزرا) قرار دارد. ساختمان اولیه این سینما دارای دو سالن به نام های شهر فرنگ و شهر قصه بود.

همچنین پله های خروجی سینما که به صورت دو نوار کشیده شیب دار بر روی نما کشیده شده اند (یکی به صورت منحنی بر روی نمای خارجی و دیگری در جنب شکاف سراسری) مسئله اصلی طراحان این مجموعه یعنی سیرکولاسیون ورودی و خروجی هفت سینما را به بهترین نحو حل میکند حرکت مردم برای ورود به سینما روی پله های برقی طبقات که در پشت صفحه

شیشه ای وسیعی در جنب محوطه شمالی بنا صورت می گیرد همچنین پایین آمدن نشان روی پله های خروجی چسبیده به نماهای ساختمان جزء مکمل شکل و کالبد بنا شده است (URL2)



شکل ۴: پلان سینما آزادی (URL2)

### ۳- یافته ها

در این قسمت از پژوهش، مقایسه بین دو نمونه مورد مطالعه با استفاده از پیمایش پرسشنامه‌ای انجام شده است. در همین راستا پرسشنامه‌ای ۱۰ سوالی که سه شاخص ساختار فیزیکی، فعالیت و معنا را در پردیس سینمایی ملت و سینما آزادی مورد سنجش قرار داده است تدوین شد و بین ۱۰۵ نفر از افرادی که از این دو محل قبلاً بازدید کرده‌اند توزیع شد. در انتخاب گویه-های پرسشنامه مورد نظر سعی شد هر شاخص به زبان گفتاری و قابل لمس برای پاسخ دهندگان باشد. سپس با توجه به این که از طیف لیکرت در پرسشنامه استفاده شده بود، داده‌ها کد بندی شدند و نرم افزار spss 19 شدند و تحلیل آماری با استفاده از روش T دو نمونه ای مستقل در قالب مقایسه دو نمونه مورد مطالعه انجام شد. با توجه به ماهیت مقایسه‌ای بودن تحقیق حاضر بین دو گزینه، روش T آزمون آماری است که می‌تواند هدف در راستای هدف تحقیق حاضر باشد.

برای پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. روش آلفای کرونباخ مهم ترین و پرکارترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه گیری در نرم افزار Spss است. روش آلفای کرونباخ، مستلزم تنها یک بار اجرای آزمون است. این روش بستگی به هماهنگی کارکرد آزمودنی از یک سوال به سوال دیگر داشته و محاسبه آن مبتنی بر انحراف استاندارد سئوالات می باشد. در نهایت، براساس همبستگی درونی سئوالات، مقدار آلفا استخراج می شود. چنان چه این مقدار بیش تر از ۰.۷ باشد، می توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. به عبارتی، گویه های یک مقیاس یا شاخص از همسازی بالایی جهت سنجش آن برخوردارند و برعکس، مقدار کم آلفادالالت برپایایی پائین ابزار اندازه گیری دارد (حبیب پور و صفری، ۱۳۹۰، ۳۵۸).

#### جدول ۱: بررسی پایایی پژوهش (نگارنده)

Item No.	Cronbach Alpha
۱۰	۰/۹۲۰

همانطور که مشاهده می شود در پژوهش صورت گرفته، مقدار آلفای کرونباخ استاندارد ۰/۹۲۰ می باشد که نشان دهنده این است که پژوهش صورت گرفته از پایایی مناسبی برخوردار است و نتایج حاصله قابل اتکا است؛ بنابراین پس از بررسی پایایی پژوهش و مثبت بودن نتایج به تحلیل و ارزیابی پرداخته شد.

در این قسمت عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در دو پردیس سینمایی مورد مطالعه با استفاده از آزمون T دو نمونه مستقل، مقایسه خواهد شد؛ اما قبل از آن باید مشخص نماییم که از آزمونهای آماری پارامتریک استفاده شود یا غیرپارامتریک. جهت تعیین این موضوع از آزمون آماری کولموگروف- اسمیرنوف (K-S) استفاده می شود. برای استفاده از تکنیکهای آماری ابتدا باید نوع توزیع دادههای جمع آوری شده مشخص گردد که در صورت نرمال بودن توزیع دادههای جمع آوری شده برای آزمون فرضیهها میتوان از آزمونهای پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمونهای ناپارامتریک، بدین منظور در این مرحله به بررسی نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در مورد هر یک از متغیرها می پردازیم و بر اساس نتایج حاصل، آزمون مناسب برای بررسی صحت و سقم فرضیات تحقیق را انتخاب می کنیم. آزمون نرمال بودن (K-S) برای توزیع عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان به صورت زیر بررسی شد:

#### جدول ۲: نتیجه آزمون نرمال بودن برای توزیع عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان (نگارنده)

عامل	سطح معناداری	مقدار خطا	تایید فرضیه	نتیجه گیری
معنا	۰/۲۳۸	۰/۰۵	H <sub>0</sub>	نرمال است
ساختار فیزیکی	۰/۶۰۱	۰/۰۵	H <sub>0</sub>	نرمال است
فعالیت	۰/۲۳۸	۰/۰۵	H <sub>0</sub>	نرمال است

اگر مقدار سطح معناداری بزرگتر از مقدار خطا باشد، فرض صفر نتیجه گرفته می شود و در صورتی که مقدار سطح معناداری کوچکتر از خطا باشد فرض یک تیجه گرفته خواهد شد.

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{عامل } i \text{ دارای توزیع نرمال است: } H_0 \\ \text{عامل } i \text{ دارای توزیع نرمال نیست: } H_1 \end{array} \right.$$

چون مقدار سطح معناداری برای تمامی عوامل کوچکتر از مقدار خطا ۰/۰۵ می باشد پس فرض H<sub>0</sub> (نرمال بودن توزیع دادهها) را نتیجه گرفته خواهد شد و از آزمون پارامتری t دو نمونه مستقل استفاده خواهد شد.

برای سنجش و مقایسه میزان هر یک از عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در پردیسهای سینمایی آزادی و ملت، از آزمون T دو نمونه مستقل استفاده خواهد شد. در ابتدا آمار توصیفی دادههای بدست آمده از سنجش عوامل مورد مطالعه ارائه می گردد؛

جدول ۳: آمارهای توصیفی نمرات عوامل مورد مطالعه در دو پردیس سینمایی (نگارنده)

متغیر	مجتمع	تعداد افراد	تعداد سؤالات	میانگین کل	انحراف معیار
معنا	ملت	۱۰۵	۲	۳/۷۳	۱/۵۳
	آزادی		۲	۴/۲۶	۰/۸۸
ساختار فیزیکی	ملت	۱۰۵	۱	۳/۹۸	۱/۲۰
	آزادی		۱	۳/۸۰	۱/۰۱
فعالیت	ملت	۱۰۵	۲	۴/۰۹	۱/۱۳
	آزادی		۲	۳/۷۸	۰/۹۲

اطلاعات جدول (۳) نشان می‌دهد که برای سنجش هر عامل در هریک از پردیس‌های سینمایی، ۱ سؤال از گویه‌های پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفته است. میانگین کل نمرات هر عامل و انحراف معیار آن در هر دو پردیس سینمایی در جدول فوق آورده شده است.

جدول ۴: آزمون T دو نمونه مستقل برای سنجش هر یک از عوامل مورد مطالعه (نگارنده)

آزمون T برای برابری میانگین‌ها					شاخص
اختلاف میانگین در سطح اطمینان ۹۵٪		میانگین تفاوت	سطح معنی‌داری (sig)	مقدار T	
حد بالایی	حد پایینی				
۰/۴۱۳	-۱/۴۸۰	-۰/۵۳	۰/۲۵۶	-۱/۱۶۷	معنا
۰/۳۷۰	۱/۱۴	۰/۱۸	۰/۰۰۱	۲/۷۱۷	ساختار فیزیکی
۰/۰۲۵	۰/۳۷۰	۰/۳۱	۰/۰۱۱	۲/۱۹۱	فعالیت

در ادامه، تفسیر نتیجه آزمون T با دو نمونه مستقل در خصوص تفاوت میانگین نمرات مربوط به عوامل مورد مطالعه در دو پردیس سینمایی پرداخته شده است.

در تفسیر نتایج شاخص "معنا"، اعداد T و Sig بدست آمده از آزمون حاکی از آن است که تفاوت معناداری از نظر "معنا" از نگاه مراجعه کنندگان به دو پردیس وجود ندارد ( $sig > 0/05$ ). به عبارتی می‌توان گفت که این دو پردیس سینمایی با سطح اطمینان ۹۵٪ در شاخص "معنا" با یکدیگر اختلاف ندارند. (به اصطلاح، فرض  $H_0$  که دلالت بر بی‌معنی بودن تفاوت می‌باشد، تایید می‌شود).

نتایج آزمون برای دو شاخص "ساختار فیزیکی" و "فعالیت" به ترتیب با مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۱ و ۰/۰۱۱، معناداری اختلاف میانگین‌های این دو شاخص را اثبات می‌کند؛ بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ از نگاه مراجعه کنندگان، میانگین شاخص

"ساختار فیزیکی" در دو پردیس سینمایی آزادی و ملت با یکدیگر اختلاف دارند و پردیس سینمایی ملت با میانگین ۳/۹۸ بالاتر از پردیس سینمایی آزادی قرار می‌گیرد. همچنین با اثبات وجود اختلاف بین میانگین‌های نمره‌دهی به شاخص "فعالیت" در هر یک از پردیس‌های سینمایی ملت و آزادی، پردیس سینمایی ملت با میانگین نمره‌دهی ۴/۰۹ در این شاخص نیز، بهتر از پردیس سینمایی آزادی بوده است.

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش بر مبنای مقایسه‌ی تطبیقی بین دو گونه‌ی متفاوت از طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای سینما از منظر حس مکان شکل گرفت. با توجه به این امر که به نظر می‌رسد فضایی که تماشاگران که در آن فیلم تماشا می‌کنند نقش مثبت و معنا داری در کیفیت درک و درگیر شدن با فیلم مورد نظر را داراست، می‌توان بیان کرد که فضا و تیپ ساختمانی سینما نقشی موثر بر ایجاد حس مکان در آنان نیز می‌تواند داشته باشد؛ بنابراین پس از تعریف و تبیین مولفه‌های حس مکان در فضاهای معماری، سعی شد تا با استفاده از روش پیمایش پرسشنامه‌ای فرضیه تحقیق مبنی بر اثرگذاری فضای معماری سینما بر حس مکان تماشاگران مورد سنجش قرار گیرد.

در مجموع، یافته‌های پرسشنامه‌ای نشان دادند که اختلاف چشم‌گیری بین عامل‌معنا در دو سینمای پردیس ملت و سینما آزادی از نگاه شهروندانی که در این دو سینما قبلاً فیلم تماشا کرده‌اند وجود ندارد. این در حالی‌ست که پاسخ دهندگان به طور قابل توجهی پردیس سینمایی ملت را از نظر دو عامل ساختار فیزیکی و فعالیت از سینما آزادی برتر درک کرده‌اند. به نظر می‌رسد درک متفاوت عامل معنا از نظر شهروندان اینگونه می‌تواند قابل توجیح باشد که ماهیت شکل‌گیری سینما و حضور تماشاگران در آن از نظر افراد در دو نمونه‌ی مورد مطالعه مفهوم واحدی را القا می‌کند که همان تماشای فیلم است، به عبارت دیگر این دو محل نیاز شهروندان از نظر تماشای فیلم را به خوبی برآورده کرده‌اند و معنایی که کارکرد سینما در ذهن متبادر می‌شود را به درستی نشان داده‌اند.

نتایج یافته‌ها در دو عامل "ساختار فیزیکی" و "فعالیت" حاکی از تفاوت آنها در دو نمونه است در توجیح این مطلب به نظر می‌رسد یکی از عواملی که این امر را سبب شده است موقعیت قرارگیری این دو نمونه در بافت شهری تهران می‌باشد. پردیس سینمایی ملت در کنار پارک ملت و از طرف دیگر بزرگراه محدود می‌شود که این امر ساختار فیزیکی و فعالیتی متفاوتی را برای آن رقم زده است. این در حالی‌ست که سینما آزادی در خیابانی شهری با کاربری‌های پیرامونی تجاری و خدماتی احاطه شده است که کاربری این سینما و میزان برجستگی آن را در بافت خود تا حدودی کم‌رنگ نشان داده است و نتیجتاً ساختار فیزیکی و فعالیتی متفاوتی را سبب شده است. عامل دیگر اثر گذار بر نتایج یافته‌ها مبنی بر تفاوت دو نمونه در "ساختار فیزیکی" و "فعالیتی" را می‌توان با توجه به فرم کالبدی دو نمونه‌ی مورد مطالعه توجیه کرد. همانطور که در معرفی این دو بنا آورده شد فرم کالبدی پردیس سینمای ملت سیال و خاص می‌باشد این در حالی‌ست که سینما آزادی از نظر شکلی به صورت چشمگیر متفاوت از غالب سینماهای کشور نمی‌باشد.

با توجه به هدف تحقیق و تحلیل‌های صورت گرفته در دو نمونه‌ی مورد مطالعه می‌توان بیان کرد که عوامل اثرگذار بر ایجاد حس مکان در سینما از منظر تماشاگران تا حد زیادی وابسته به عوامل کالبدی شکل‌گیری حس مکان هستند که آنها نیز از دو عامل "موقعیت قرارگیری سینما در بافت شهر" و "فرم کالبدی سینما" تاثیر می‌پذیرند.

#### منابع

۱. پناهی، س. (۱۳۸۳). تاثیر معماری بر سینمای اکسپرسیونیست. معماری و فرهنگ، دوره ۵، شماره ۱۷.
۲. حبیب‌پور، ک، صفری شالی، ر. (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی). تهران: لویه، متفکران، ۱۳۸۸.



۳. رضویان، م.، شمس پویا، م. و ملاتبارلهی، ع. (۱۳۹۳). کیفیت محیط کالبدی و حس مکان (مورد شناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران). *جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۴، ۱۰.
۴. مدنی‌پور، ع. (۱۳۸۷). تحول و تداوم مفهوم شهر. *هفت شهر*، ۲۵-۲۶، ۳۲.
۵. نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۱). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. (یار احمدی، م. ا. مترجم)، تهران: نشر آگه
۶. نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۸۸). روح مکان، به سوی پدیدارشناسی معماری. (شیرازی، م. ر. مترجم) تهران: رخداده نو.

7. Canter, D. (1977). *The psychology of place*.
8. Carmona, M., de Magalhães, C., & Hammond, L. (Eds.). (2008). *Public space: the management dimension*. Routledge.
9. Cuthbert, A. R. (2008). *The form of cities: Political economy and urban design*. John Wiley & Sons.
10. Hummon, D. M. (1992). Community attachment. *Place attachment*, 253, 278.
11. Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.

آدرس‌های اینترنتی:

- url1: <http://archline.ir>
- url2: <http://ammi.ir>

## Studying sense of place in Iranian's Cinemas: Comparison of sense of place between Mellat and Azadi Cinema in Tehran

Abbas Rahmati, Manouchehr foroutan, Sajad Moazen

*MA student in architecture, Department of Architecture, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.*

*Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran*

*Assistant Professor, Department of Restoration, Jondishapur University of Technology, Dezful, Iran*

---

### Abstract

The cinema is a mean to build and grow the city's popular culture. Unfortunately, we do not have much quality space in the country, and usually not in the cinema of Iran. The importance of location in cinemas of the country is of importance and necessity. According to the psychology of the environment, it can be stated that the spatial quality of the periphery of the people will cause a difference in perception of its perimeter objectivity, and this phenomenon is essential to watch movies that are involved in hearing and listening simultaneously. In this regard, this study, by comparing the sense of place in the two samples including Pardis Mellat and Azadi cinema among the citizens, intends to examine the mechanism of understanding and creating a sense of place in the cinema by individuals. Considering the differences in the design structure, as well as the position of the Pardis Mellat and Azadi Cinema in urban spaces, it seems that these two samples represent two different types of cinemas in the process of locating for the audience. The type of this research is applied, overall approach is qualitative and the method is survey. For this purpose, a questionnaire was completed by 105 citizens of Tehran using SPSS19 software, this was done between the two mentioned samples. The results of this study showed that the factors influencing the creation of a sense of place in the cinema from the viewpoint of audiences are largely dependent on the sense-building structures that affect both the location of the view in the city context and the physical form of the cinema.

**Keywords:** Cinema, Sense of Place, Sense, Physical Structure, Activity.

---